

تاریخ و تمدن اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۸۸، ص ۸۵-۱۰۶

روابط بازرگانی آراگون و قشتاله با بیبرس و

تحریم اقتصادی مصر از سوی پاپ^۱،^۲

احمد بادکوبه هزاوه، دانشیار دانشگاه تهران

Hazaveh@ut.ac.ir

قدریه تاج بخش، دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

Ghtajbakhsh@yahoo.com

چکیده

این نوشتار، پس از بررسی چگونگی ورود دو دولت اروپایی قشتاله و آراگون به بازار تجارت شرق، به علل انعقاد معاهدات تجاری آنان با بیبرس، سلطان مملوکی مصر، و سپس به تأثیر تحریم اقتصادی مصر از سوی پاپ گریگوری دهم بر این روابط پرداخته است. در سده هفتم هجری در پی استیلای مغولان بر شاهراه های تجاری آسیا و نیز روابط خصمانه ایلخانان با اردوی زرین، راه تجارت خشکی چین به اروپا ناامن شد و راه تجارت دریایی چین، دریای سرخ، مدیترانه که به اروپا می‌رسید، جایگزین آن گردید و دولت ممالیک مصر به دلیل استقرار در مسیر راه اخیر اهمیتی مضاعف یافت؛ بدین سبب آراگون و قشتاله برای تأمین مایحتاج خود که در شرق دور تولید می‌شد، ناگزیر مناسبات تجاری خود با بیبرس را بهبود بخشیدند؛ باری به سبب نیاز این دولت ها به بیبرس و بالعکس تحریم اقتصادی مصر از سوی پاپ، نتوانست تأثیر چندانی در روابط میان این دولت ها چندان بگذارد.

کلیدواژه‌ها: آراگون، قشتاله، مصر، بیبرس، تجارت، دریای سرخ، تحریم اقتصادی.

۱. تاریخ وصول: ۱۰/۱۰/۸۹ تاریخ تصویب: ۲۰/۱۲/۸۸.

۲. این مقاله حاصل طرح پژوهشی «تحولات اداری(برید) و روابط تجاری مصر در دوره زمامداری بیبرس: مطالعه موردی آراگون و قشتاله» مصوب دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است.

مقدمه

ملک ظاهر رکن‌الدین بیبرس بُندقداری چهارمین و مشهورترین سلطان ممالیک بحری بود که از سال ۶۵۸-۶۷۶ هـ بر مصر و شام حکومت کرد. وی پس از پیروزی‌های چشمگیر بر مغولان و صلیبیان^۱ با هدف دست یابی به اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی خود، به روابط تجاری گسترده‌ای با حکومت‌های آراگون و قشتاله دست زد.

در قرن هفتم هجری به دلیل استیلای مغولان بر شرق دور تا بغداد، راه‌های تجاری این مناطق ناامن گشت^۲ و در نتیجه راه تجاری دریای سرخ اهمیت یافت؛ در این سده کاروان‌های تجاری پس از بارگیری از شرق دور به اقیانوس هند و سپس از طریق دریای سرخ به دریای مدیترانه می‌رسیدند و در اروپا بارهای خود را تخلیه می‌کردند^۳. شکوفایی راه دریای سرخ به وضع اقتصادی مصر در دوره بیبرس خدمت بزرگی کرد و به ممالیک فرصت داد تا در میان تجار شرق و غرب نقش واسطه را ایفا کنند. استقرار حکومت ممالیک در مسیر این راه دریایی و نزدیکی به هند از یک سو، و نیاز شدید اروپا به تولیدات هند و کالاهایی چون ادویه، عطریات و بخور از سوی دیگر، موجب شد تا دول اروپایی از آن جمله آراگون و قشتاله برای تأمین مایحتاج اولیه خود و عبور مسالمت آمیز کاروان‌های تجاری از دریای سرخ، با بیبرس قرارداد تجاری منعقد کنند^۴.

۱. ابن‌الظاهر، ۳۰۷؛ مقریزی، السلوک، ۱/ ۴۲۳-۴۲۷، ۴۲۸-۴۲۹، ۵۶۷-۵۶۸.

۲. منابع به تفصیل به حملات بنیان‌کن مغولان و تسلط آنان بر شهرها و راه‌های آسیایی پرداخته‌اند (وشیدالدین فضل‌الله، ۱۰۵۰/۲-۱۰۵۳؛ ابن‌اثیر، ۳۵۸/۱۲-۳۹۴).

۳. بازرگانان پس از رسیدن به دریای سرخ از دو راه خود را به اروپا می‌رساندند: راه نخست، از طریق صحرای سینا به دمشق و سپس به دریای مدیترانه و اروپا بود و دیگری پس از عبور از رود نیل به قاهره و اسکندریه و سپس به دریای مدیترانه و اروپا متصل می‌شد (هاید، ۳۰۶/۱-۳۰۷؛ همو، ۲۸/۲-۲۹).

۴. ماجد، ۲۲۵؛ یوسف، العصور، ۳۶۸؛ نیز نک. ادامه مقاله.

بیبرس که اهمیت راه تجاری دریای سرخ و تاثیر امنیت راه‌های داخلی را در شکوفایی تجارت به خوبی دریافته بود، با ایجاد شبکه منظم برید قاهره را به دمشق و آنجا را به تمامی نقاط مصر و شام متصل کرد.^۱ به علاوه، او برای استقرار امنیت در مسیر راهها به کنترل دقیق و منظم نقاط مرزی و بنادر مصر و شام اهتمام ورزید؛ قَطِیَه، روستایی از نواحی جفار در نزدیکی فرما و در مرز شام و مصر، از جمله مناطق حایز اهمیت بود. این نقطه مرزی به شدت کنترل می‌شد و مأمورین دولتی در آنجا دفتری داشتند و کاروان‌ها را بازرسی می‌کردند. مأموران بر سرتاسر منطقه مسلط بودند و رد پای کسی را که به قاچاق از بیابان می‌گذشت، می‌گرفتند. این تدابیر برای جلوگیری از فعالیت جاسوسانی اتخاذ شده بود که از سوی حکومت مغولان در ایران در مصر مأموریت می‌یافتند.^۲ بدین ترتیب کالاها از بنادر دریای سرخ به ویژه عیذاب^۳ به راه‌های تجاری داخلی مصر و از آنجا از طریق رود نیل به بنادر اسکندریه، دمياط و ... و بالعکس در ساحل دریای مدیترانه به سلامت و سهولت انتقال می‌یافت. علاوه بر این، بیبرس با انعقاد معاهدات تجاری، تأسیس مراکز بازرگانی و ایجاد نمایندگی‌هایی برای صیانت از حقوق تجار و اتباع خارجی^۴ زمینه حضور تجار را به مصر فراهم ساخت. ایجاد نیروی دریایی مقتدر و ساخت انواع کشتی‌های تجاری و جنگی با هدف حفظ سیادت دریایی ممالیک و تسهیل انتقال کالاها^۵ نیز از دیگر اقدامات بایسته بیبرس در جهت تأمین امنیت و حفاظت از این راه تجاری بود.

۱. برای آگاهی از تحولات برید در این دوره نک: قلقشندی، ۱۴ / ۳۷۰-۳۹۴؛ عمری، ۲۴۲-۲۵۵).

۲. یاقوت، ۷۳/۷؛ ابن تغری بردی، ۷/ ۷۷؛ حاشیه شماره ۲؛ ابن بطوطه، ۷۲/۱-۷۳.

۳. بندر تجاری بسیار مهم در ساحل دریای سرخ و لنگرگاه کشتی‌هایی بود که از عدن به صعید مصر می‌رفت. از این بندر کالاهای چین، هند، افریقا و سواحل مدیترانه را به مناطق مختلف صادر می‌کردند (یاقوت، ۳۶۵/۶؛ ابن بطوطه، ۱، ۲۵۳/).

۴. ماجد، ۲۲۴؛ Jackson, 121.

۵. نک: مقریزی، خطط، ۳۱۵/۳-۳۱۶.

روابط تجاری آراگون^۱ با مصر در دوره بیبرس

تحولات اقتصادی اسپانیا از ابتدای قرن پنجم هجری آغاز شد؛ پس از سقوط خلافت امویان اندلس در این سده، سلاطین مسیحی اندک اندک قدرت از دست رفته‌شان را باز یافتند و روابط گسترده‌ای با جنوب فرانسه برقرار کردند^۲؛ اقدام اخیر و مساعدت‌های دول اروپایی با آنان و نیز فعالیت شمار فراوان تجار فرانسوی و کشاورزانی که در اثنای قرون پنجم و ششم هجری در قطلونیه^۳ بودند، در پیشرفت و تحول اقتصادی-سیاسی اسپانیا تأثیری به سزا داشت^۴. از سوی دیگر قطلونیه نیز به سبب موقعیت جغرافیایی و ساحل پهناور آن به ویژه دسترسی به بندر برشلونه (پارسلون امروزی) در ساحل دریای مدیترانه، نیروی دریایی قدرتمند، روابط تجاری گسترده با پیزا و جنوا، برخورداری از زمین‌های حاصل خیز و شهرت بازارهای آن در اروپا به دلیل تنوع و کیفیت کالاها در معادلات اقتصادی اسپانیا و اروپا نقش تعیین کننده‌ای داشت؛ به ویژه آن که کشتی‌های تجاری قطلونیه محصولات کشاورزی و منسوجات اسپانیا، میوه‌های جنوب اروپا، حریر، پشم، پوست و البسه را به ایتالیا و یونان و از آن جا به مصر و سوریه صادر می‌کردند^۵. از این رو به دلیل اهمیت روز افزون قطلونیه، دولت آراگون در ۵۳۵ هـ اتحادیه آراگون- قطلونیه را تشکیل داد. از مهمترین نتایج این وحدت سیاسی، دسترسی آراگون به بندر برشلونه در ساحل دریای مدیترانه و ورود کشتی‌های تجاری آن به

۱. ایالتی در شمال شرقی اندلس که در منابع بدان آراگون، آرغون یا ارگون گویند (ابن عبدالظاهر، ۳۶۳-۳۶۴). این سرزمین از شمال به فرانسه، از شرق و جنوب به قطلونیه و بلنسیه و از مغرب به قشتاله و ناوار محدود بود. سرقسطه، پایتخت آن را، به رودخانه‌ها و باغ و بستان‌هایش ستوده‌اند (ابوالفداء، ۱۸۰-۱۸۱؛ نیز نک: نقشه بیوست).
 ۲. قلقشندی، ۳۴/۸؛ ابن خلدون، ۱۴۰/۴؛ حمیری، ۲۶.
 ۳. سرزمینی بود که جرنده در شمال، طرطوشه در جنوب، برشلونه و طرکونه در شرق و لارده در غرب آن قرار داشت و از طریق بندر برشلونه به دریای مدیترانه راه داشت (نک: نقشه بیوست). در ۵۳۵ هـ ق در پی اتحادیه آراگون- قطلونیه، دو سرزمین به یکدیگر پیوسته و امپراتوری بزرگ و منسجم آراگون تشکیل گردید (یوسف، همانجا).
 4. Jackson, 117-118.

۵. اُشیخ، ۱۳۸/۱؛ Payne, 6/102.

صحنه تجارت شرق بود؛ زیرا تا آن زمان آراگون بر خلاف قطلونیه به راه های دریایی دسترسی نداشت.^۱

در فاصله سالهای ۵۴۵-۵۴۶ هـ نیروی دریایی برشلونه که در اختیار حکومت مسیحی قطلونیه (اتحادیه آراگون - قطلونیه) بود، با پشتیبانی ناوگان دریایی جنوا، نیروی دریایی المریه^۲ و طرطوشه^۳ را شکست داد. این رویداد و نیز ازدیاد روابط تجاری آن با تجار شرق در بنادر مصر و شام در پی جنگهای صلیبی، بر اهمیت تجاری آراگون در میان رقبایش همانند بنادر ایتالیا و اقتدار آن در دریای مدیترانه افزود.^۴ بدین ترتیب در این دوره تجار برشلونی به همراه تجار قطلونی، ایتالیایی و پروانسی برای نخستین بار با تجار ادویه در سواحل مصر و شام به داد و ستد پرداختند و تجارت آن را در انحصار خود گرفتند.^۵ این عوامل به حکومت آراگون امکان داد تا خود را به عنوان یکی از قدرت های بزرگ تجاری مطرح سازد.

روابط تجاری آراگون با مصر از اواخر قرن ششم و اوایل هفتم هجری آغاز شد و در دوره خایم اول^۶ (حک: ۶۱۲-۶۷۵ هـ)^۷ به نحو فزاینده ای رو به گسترش نهاد. وی برای تثبیت حضور آراگون در صحنه تجارت شرق به اقدامات مهمی دست زد: در نخستین گام، او ضمن انعقاد توافقنامه ای با تجار آراگون، آنان را وادار کرد تا به

۱. یوسف، همانجا؛ ماجد، ۲۴۲.

۲. بندر تجاری بزرگ از توابع البیره بود و به دلیل عبور و مرور کشتی های تجاری از آن، دروازه شرق اندلس محسوب می شد (یاقوت، ۴/ ۲۵۸).

۳. از شهرهای اندلس که در نزدیکی دریای مدیترانه و در شرق بلنسیه و قرطبه قرار داشت. این سرزمین محل آمد و شد تجار به نقاط مختلف بود و مسیحیان در ۵۴۳ هـ ق بر آن دست یافتند (همو، ۳/ ۲۵۷).

۴. هاید، ۳۳۱/۱؛ کاسترو، ۷۶.

۵. اشیاخ، همانجا؛ Pirenne, 2/207-208.

6. Jaime I.

۷. دوره حکومت خایم اول با حکومت ایوبیان - عادل (حک: ۵۹۶-۶۱۵)، کامل محمد (حک: ۶۱۵-۶۳۵ هـ ق)، ق، نجم الدین ایوب (حک: ۶۳۷-۶۴۷ هـ ق) و توران شاه (حک: ۶۴۷-۶۴۸ هـ ق) - و ممالیک - شجره الدر (حک: ۶۴۸ هـ ق، او فقط سه ماه حکومت کرد)، معز ایبک (حک: ۶۴۷-۶۵۵ هـ ق)، منصور نورالدین علی (حک: ۶۵۵-۶۵۷ هـ ق)، قطز (حک: ۶۵۷-۶۵۸ هـ ق) و بیبرس (حک: ۶۵۸-۶۷۶ هـ ق) - در مصر مقارن بود.

واردات کالاهای کمیابی چون ادویه، منسوجات، چارپایان، روغن، عسل، آهن، سرب و کاغذ که بدان بسیار نیاز داشت، از مصر و شام اقدام کنند^۱ و چند سال بعد در ۶۲۵ هـ. امتیاز صادرات کالاهای تجاری آراگون به اسکندریه و بنادر شام و قسطنطنیه را به تجار برشلونه و آراگون منحصر ساخت و تجار بیگانه را از واردات کالاهای بازرگانی شان به آراگون منع کرد^۲. به علاوه، او برای تسهیل مبادلات تجاری به ضرب سکه‌های قطلونی از طلا دست زد که شباهت تامی به سکه‌های اسلامی آن روزگار داشت^۳. سپس با تصرف جزایر بالئار^۴، بلنسیه^۵، شاطیه^۶ و دانیه^۷ در فاصله سال‌های ۶۲۷-۶۴۲ هـ. گام مهمی در توسعه قدرت سیاسی و به تبع آن گسترش اوضاع تجاری آراگون برداشت^۸. این اقدامات به ویژه تصرف جزایر بالئار موجب قدرتمندی و شکوفایی تجارت آن در دریای مدیترانه گردید. از این پس، حملات ناوگان اسلامی به کشتی‌های آراگون پایان یافت و آنان آزادانه و بی خوف از جنوب فرانسه تا شمال آفریقا به تجارت پرداختند^۹. تجارت خارجی آراگون به دلیل ارتباط با شمال آفریقا و تجار ادویه در شرق بسیار پر رونق بود^{۱۰}. با وجود این، رشد و شکوفایی تجارت آراگون با مصر در دوره بیبرس بود و خایم اول پیمان‌های تجاری مهمی با وی منعقد کرد^{۱۱}. به نظر می‌رسد دولت آراگون

1. Hillgarth, 1/246.

۲. هاید، ۱/ ۳۲۲، به نقل از Masia, 82.

۳. ابن عذاری، ۴۴۹؛ نیز نک: قزوینی، ۱۱.

۴. به مجموعه جزایر میورقه، منورقه و یابسه واقع در شرق اندلس جزایر بالئار گویند (نک: یاقوت، ۴/ ۳۳۴، ۳۵۷، ۴۹۲، ۳۵۷).

۵. از شهرهای اندلس که در شرق تدمیر و قرطبه قرار داشت و میان آن و دریای مدیترانه یک فرسنگ راه بود (همو، ۱/ ۳۸۶).

۶. در شرق قرطبه و به دلیل صادرات کاغذهای مرغوبش به دیگر نقاط اندلس شهره بود (همو، ۳/ ۱۱۴-۱۱۵).

۷. از بنادر اندلس در ساحل دریای مدیترانه و از توابع بلنسیه بود. (همو، ۲/ ۲۸۵).

۸. ابن خلدون، ۴/ ۲۰۵؛ (همو، ۶/ ۳۳۹-۳۴۲).

9. Jackson, 118.

۱۰. ابن بطوطه، ۲/ ۶۶۹.

۱۱. اسناد این پیمان‌ها تنها در دو مجموعه ذکر شده است: نخست، مجموعه آرشویی به زبان‌های لاتینی اصیل، کاتالونی کهن و اسپانیایی است که استاد (A) Masia آن را در کتابش تحت عنوان *La corona de Aragon*

اهمیت راه تجاری مصر را به خوبی دریافته بود. چه، مصر در انتهای مهمترین راه دریایی که شرق را به غرب متصل می‌کرد، قرار داشت و بهترین و ایمن‌ترین راه تجاری آن روز برای تجار اروپایی محسوب می‌شد. در نتیجه این هم پیمانی، خایم اول تسهیلات ویژه‌ای را برای دولت ممالیک در نظر گرفت. وی برای نخستین بار دروازه تجاری آراگون را که تا آن زمان بر روی شرق و مصریان بسته بود، گشود؛ ابن عبدالظاهر کاروان‌های تجاری طرفین و مبادله سفرا را این گونه وصف می‌کند:

«پس از انعقاد معاهده تجاری، سفیران پادشاه برشلونه (خایم اول) در ۶۶۷هـ. همراه با نامه‌ای از سوی پادشاه به دربار ملک ظاهر بیبرس رسیدند و تجار مصری را که پیش از آن در اسارت قطلونی‌ها گرفتار آمده بودند نیز با خود همراه داشتند. سلطان در پاسخ سفرایی به دربار خایم اول فرستاد و از وی تقاضای استرداد اموال به گروگان گرفته شده تجار را کرد»^۱.

بدین ترتیب، روابط تجاری حسنه‌ای میان بندر برشلونه و بنادر مصر و شام برقرار شد؛ به گونه‌ای که ناوگان برشلونه از کشتی‌های تجاری مصر و شام در دریای مدیترانه حمایت می‌کرد.^۲

Barcelona, *los Estados del notre de Africa* (= حکومت سلطنتی آراگون و دول شمال آفریقا) 1951 گردآوری کرده است. این اثر به ویژه از نظر پیمان‌های آراگون در دوره‌های خایم اول و دوم با مصر و نیز تحریم‌های اقتصادی آن از سوی پاپ حایز اهمیت است. دیگری اثر ارزشمند استاد Montavez (P, M) با عنوان *A Relaciones de Alfonso X de Castilla con el Sultan Mameluco Baybars y sus suesores Al- Andelus* (روابط آلفونسوی دهم پادشاه قشتاله با سلطان ممالیک بیبرس و جانشینانش) Madrid, 1962 است که از نظر حفظ اسناد مربوط به تبادل سفرای اعزامی از سوی قشتاله به مصر و بالعکس در دوره‌های بیبرس و سایر سلاطین ممالیک، مهم و درخور توجه می‌باشد. نظر به این که منابع اسلامی به مجموعه اسناد مکتوب در دو اثر فوق‌الذکر اشاره‌ای نکرده یا اشاره‌ای جزئی کرده‌اند، ارزش این آثار دو چندان و مراجع بدان‌ها بسیار ضروری است؛ اما به رغم جستجوی فراوان در اینترنت خاصه در کتابخانه‌های اسپانیا و مجموعه آرشیوی سلطنتی آراگون دستیابی بدان‌ها میسر نگردید، از این رو به هنگام استناد ناگزیر به تحقیقات Heyd, Payne, Hillgarth و سعید عاشور مراجعه شده که همگی از منابع مذکور استفاده کرده‌اند.

۱. ابن عبدالظاهر، ۳۳۷.

۲. هاید، ۳۳۲/۱.

ایجاد مراکز تجاری، فندق‌ها^۱ و نمایندگی‌هایی از سوی حکومت آراگون در مصر در ۶۶۴هـ. و واگذاری امتیاز آن‌ها به مجلس مشورتی برشلونه از دیگر نتایج ارزنده این روابط حسنه بود. در این نمایندگی‌ها شماری از تجار بزرگ به نیابت از دولت آراگون به مثابه دادگاهها، به حل مشکلات تجار و دفاع از حقوق آنان می‌پرداختند و قوانینی برای تجارت وضع می‌کردند^۲. دولت ممالیک نیز به منظور آسایش تجار خارجی، با تساهل نه تنها اجازه استفاده از مشروبات را در کشتی‌های تجاری داد، بلکه استعمال آن را در مهمانخانه‌ها نیز آزاد کرد^۳. در نتیجه این تسامح دینی و آزادی‌های مذهبی، بازارهای قاهره از تجار شرق و غرب مملو و ثروتی بدانجا سرازیر گردید که مجموع ثروت‌های میلان، رم، پادوا^۴ و فلورانس به پای آن نمی‌رسید^۵.

ادویه، عطریات، گیاهان دارویی، مواد دباغی و معدنی، شکر، روغن، پنبه، منسوجات کتانی و حریر، نمک و زاج مصری از مهم‌ترین کالاهای صادراتی مصر به آراگون بود. در مقابل به دلیل اهمیت و نقش فراوان بردگان در شکل‌گیری و قدرت دولت ممالیک، آراگون به صادرات برده به ویژه بردگان سفید که منبع اصلی آن در برشلونه و بازارهای برده‌فروشی این شهر بدان شهره بود، مبادرت ورزید^۶. علاوه بر برده، چوب، آهن، مس، قلع، منسوجات پوستی، روغن، صمغ، پوست، مروارید و زعفران نیز در زمره مهم‌ترین کالاهای صادراتی آراگون به مصر بود^۷؛ جز

۱. فندق ساختمان بزرگ و مربع شکلی بود که از دو طبقه تشکیل می‌شد. طبقه پایینی که دکان‌های گنبددار را در برمی‌گرفت، به صحنی باز می‌شد که در آن بار آماده می‌شد و طبقه دوم به استراحت تجار اختصاص داشت. در این مهمان‌خانه‌ها کلیسا، قهوه‌خانه، نانوا، حمام و سایر مراکز مورد نیاز تجار وجود داشت و حتی قراردادهای تجاری در آن بسته می‌شد و کالاها برای انتقال به کشتی‌ها در آنجا آماده می‌گردید (Jackson, 121؛ ماجد، ۲۲۴).

2. Jackson, 122.

۳. هاید، ۷۲/۲ - ۷۶.

۴. Padua در شمال شرقی ایتالیا و از مراکز تجاری بود.

۵. ویت، ۱۵۷.

۶. سالم، ۵۱۸؛ Payne, 108.

۷. ابن عذاری، ۴۴۸-۴۴۹؛ حمیری، ۱؛ زعفران صادراتی از چین و بلنسیه به عمل می‌آمد (قزوینی، ۵۳؛ ابوالفداء، ۱۷۷).

این‌ها، کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر نشان داده است که سفال‌های اسپانیایی نیز در شمار صادرات آراگون قرار داشته است.^۱

روابط تجاری گسترده بیبرس با آراگون و توسعه امپراتوری وی از یک سو، و پیروزی‌های مستمر او در جنگ‌های صلیبی به ویژه آزاد سازی امیرنشین مسیحی انطاکیه^۲ از سوی دیگر او را به قدرت بلامنزاع مجاور دریای مدیترانه میدل ساخت و این مایه از قدرت، موجبات نگرانی سردمداران صلیبی را فراهم آورد. از این رو آنان با هدف ضربه زدن به وی به فکر محاصره اقتصادی مصر و تحریم برخی کالاهای مورد نیاز دولت ممالیک نظیر چوب، کبریت، آهن و به ویژه موادّی که در ساخت اسلحه به کار می‌رفت، افتادند^۳. منابع برآنند که امیر ادوارد انگلیسی در رأس هیاتی بلند پایه، همراه با گروهی از صلیبیان، در ۶۶۹هـ به شام وارد شد^۴ و تجار اروپایی را از انجام فعالیت‌های تجاری با مصریان و تأمین موادّ اولیه مورد نیاز دولت ممالیک بازداشت. دو سال بعد، پاپ گریگوری دهم فرمان تحریم تجارت با مسلمانان را صادر و تهدید کرد در صورت مخالفت دول مسیحی، آنان نیز مورد تحریم اقتصادی قرار خواهند گرفت. از این رو خایم اول ضمن پیامی، قضات برشلونه و والیانش را به اجرای این فرمان ملزم و خود نیز به رغم میل باطنی در سال ۶۷۲هـ روابط سیاسی و تجاری‌اش را با بیبرس قطع کرد و تجار را از صادرات آهن و چوب به مصر بازداشت^۵.

با این حال، تلاش پاپ و دیگر سردمداران مسیحی نتوانست تجار اروپایی را به قطع روابط تجاری با مصر وادار کند و دولت‌های اروپایی خاصّه بنادر تجاری

۱. سرور، *دولت بنی قلاوون*، ۳۱۴.

۲. ابن عبدالظاهر، ۳۰۷-۳۱۲؛ ابن تغری بردی، ۱۴۳/۷؛ مقریزی، *السلوک*، ۵۶۷/۱-۵۶۸.

۳. عاشور، ۱۱۴۲/۲؛ ماجد، ۲۲۵-۲۲۶.

۴. ابن شداد، ۲۲؛ ابن عبدالظاهر، ۳۸۳؛ ابن تغری بردی، ۱۴۹/۷؛ ابن ابی الفضائل، ۵۳۴-۵۳۷؛ عینی، ۹۲/۲؛ یونینی، ۴۳۳/۲.

۵. رانسیمان، ۴۰۱/۲؛ سرور، *دولت الظاهر بیبرس*، ۱۵۰؛ هاید، ۷۲/۲-۷۶.

ایتالیا که از خسارت های ناشی از تحریم تجارت با مصر آگاه بودند، از این فرمان روی برتافتند و با روش های مختلف خواستار آغاز مجدد فعالیت تجاری با اسکندریه، دمیاط و دیگر بنادر تجاری مصر شدند. دولت آراگون نیز که از این تصمیم دلخوش نبود، تحریم را به برخی کالاهای نظامی محدود کرد و همچون دولتمردان ایتالیایی به روابط تجاری اش با مصر ادامه داد.^۱

روابط تجاری قشتاله با مصر در دوره بیبرس

در قرن هفتم هجری قشتاله سرزمین نسبتاً وسیعی بود که اقیانوس اطلس از شمال، غرناطه از جنوب، آراگون و قطلونیه از شرق و پرتغال از غرب آن را احاطه کرده بود.^۲ این سرزمین از حیث وسعت از بزرگترین ممالک اسپانیای مسیحی بود، با این همه موقعیت جغرافیایی آن و عدم دسترسی به دریای مدیترانه و نیز بی ثباتی اوضاع داخلی موجب گردیده تا اندکی دیرتر از آراگون به صحنه تجارت شرق وارد شود و ناگزیر در تجارت با شرق از کشتی های تجاری ایتالیا به ویژه بندر جنوا بهره گیرد.^۳ دولت مسیحی قشتاله به علت منازعات سیاسی مستمر و فقدان حاکمیتی بلامنازع، تا قبل از سده هفتم هجری با دولت های مجاور مدیترانه و شرق روابط تجاری چندانی نداشت. نخستین ارتباط تجاری آن با شرق به دوره فردیناند سوم (حک: ۶۱۵-۶۵۰ هـ) که با هدف رهایی از وابستگی به اقتصاد زمینداری و نظام اقطاعی صورت گرفت، باز می گردد. با این همه، روابط گسترده قشتاله با مصر از نیمه دوم سده هفتم هجری در دوره آلفونسوی دهم^۴ (حک: ۶۵۰-۶۸۲ هـ) آغاز

1. Heyd , 2/448.

۲. نک: نقشه پیوست.

۳. یوسف، همانجا؛ عنان، ۴/ ۵۲۵.

۴. آلفونسو در منابع به شکل های الفُنش، اُدفونش آمده است (عمری، ۶۲، ۶۰؛ مقریزی، السلوک، ۶۲۱/۱؛ قلقشندی، ۳۳/۸، ۳۴، ۳۵).

گردید. وی با وضع قوانینی از سرکشی های اشراف و بزرگان و رقابت و کینه توزی - های طوایف مختلف جلوگیری کرد و در اصلاح امور گام بزرگی برداشت؛ قدرتمندی و بلند پروازی او چندان بود که حتی هوای به دست آوردن تاج و تخت امپراتوری روم را در سر می پرورانید. سبب این بلند پروازی ها آن بود که مادرش بانویی از خاندان های اصیل آلمانی و دختر امپراتور فیلیپ بود^۱. او برای تحقق این آرزو نیروی دریایی نیرومندی متشکل از ۱۸ کشتی پیشرفته به وجود آورد و اداره آن را به نیروهای ایتالیایی، قطلونی و فرانسوی واگذار کرد و اموال بسیاری در این راه صرف کرد. با این همه، چون نیازمند پول شد، مسکوکات تقلبی را رواج داد و باعث آشفتگی اوضاع اقتصادی و در نتیجه شورش های داخلی گردید^۲.

نظر به نابسامانی اوضاع داخلی قشتاله از یک سو، و اقتدار فراوان حکومت ممالیک و تمایل آنان به روابط دوستانه با دولت های اروپایی از سوی دیگر، آلفونسو ناگزیر شد روابط تجاری خود را با بیبرس توسعه دهد؛ از این رو، او به ۶۵۹ هـ. سگیری با هدایای فراوان از جمله اسب های اصیل اروپایی به دربار بیبرس اعزام کرد. بیبرس نیز در همان سال در پاسخ بدین سفارت، هیأتی را به قشتاله فرستاد که در اثنای مراسم یادبود پدر آلفونسو به آنجا رسید. شماری از تجار با هدایایی نفیس از قبیل البسه، سنگ های قیمتی و حیواناتی کمیاب نظیر فیل، زرافه، اسب های سیاه و سفید و گورخر با این هیأت همراه بودند و آلفونسو پس از پذیرش هدایا، به گرمی آنان را به حضور پذیرفت. روابط تنگاتنگ سیاسی - تجاری مسلمانان و مسیحیان تنها رهاورد این سفر نبود، بلکه از نظر دینی نیز به تحکیم روابط مسلمانان و مسیحیان، پس از یک دوره مستمر جنگ های صلیبی، کمک شایانی کرد. از این رو به فرمان آلفونسو به احترام هیأت اعزامی مصر، مراسم ورود آنان به دربار قشتاله در سرودی گنجانند که مسلمانان و مسیحیان با هم آن را به

۱. ابن خطیب، ۵۷۲.

۲. عنان، ۴/ ۵۲۲؛ یوسف، همانجا.

آواز خواندند. به علاوه، در میان هدایا تمثالی بود که به رسم یادبود بر در کلیسای اشبیلیه نصب کردند.^۱ این اندازه از تکریم و مساعی فراوان آلفونسو در جلب نظر بیبرس، نه تنها بر دامنه روابط سیاسی و تجاری آنان بلکه بر شکوفایی روابط فرهنگی مصر و قشتاله نیز تأثیر گذاشت؛ پادشاه قشتاله به دلیل علاقه‌مندی و اهتمام به زبان و فرهنگ عربی، بسیاری از کتب عربی را به اسپانیولی ترجمه و بر آموختن علوم و ادبیات عربی تأکید کرد.^۲

چند سال بعد در ۶۵۹ هـ هیأتی دیگر از سوی آلفونسو به دربار مصر اعزام شد. این گروه خواستار تحکیم روابط حسنه دو دولت همراه با پیغام خدمتگزاری و دوستی قشتاله به مصر بود.^۳ بیبرس نیز با ارسال هیأتی به دربار آلفونسو بدان پاسخی شایسته داد. به نظر می‌رسد اغلب سفارت‌های آلفونسو به مصر اهداف تجاری داشتند؛ چه دولت قشتاله جز زیارت زائران مسیحی از بیت‌المقدس هیچ مصالح سیاسی دیگری از گسترش روابط تجاری با بیبرس تعقیب نمی‌کرد. با وجود این، پس از سقوط انطاکیه - یکی از امیرنشین‌های صلیبی در شام - به دست بیبرس در ۶۶۶ هـ، مدتی روابط دو دولت به تیرگی گرایید.^۴ پس از این واقعه، پاپ کلمنت چهارم، حکام اروپا به ویژه اسپانیا، انگلیس و فرانسه را به گسیل لشکر مجهزی به شرق فرا خواند.^۵ به رغم این که آلفونسو دهم به دلیل علاقه‌مندی به استمرار روابط حسنه تجاری با بیبرس و نیز شورش اشراف و نابسامانی اوضاع داخلی بدین کار تمایل نداشت، اما به دلیل فشار وارده از سوی پاپ و صرفاً برای راضی نگه داشتن وی، آراگون را با مرد و مال در حمله به شام در ۶۶۷ هـ یاری داد^۶ و درست یک سال بعد در ۶۶۸ هـ در جنگ هشتم صلیبی که به محاصره افریقیه (تونس)

۱. عبادی، ۲۰۴-۲۰۵؛ Watt, 158-159.

۲. روسو، ۱۳۳؛ کراچکوفسکی، ۹۰؛ میجیل، ۱۳-۱۴.

۳. ابن عبدالظاهر، ۳۳۷.

۴. مقریزی، همان، ۱/ ۵۷۶.

۵. یوسف، علاقات، ۲۱۳-۲۱۴.

6. King, 266.

انجامید، شرکت جست؛ اما پسرش را در این جنگ از دست داد و بی نتیجه بازگشتند^۱. پاپ گریگوری دهم با آگاهی از ناکامی های متعدد صلیبیان در جنگ ها و تلاش های بیهوده اش برای انتقام از ممالیک، در ۶۷۱ هـ فرمان تحریم اقتصادی مصر به ویژه کالاهای اساسی و مورد نیاز حکومت ممالیک نظیر چوب، اسلحه و مواد غذایی را صادر کرد. با وجود این، تحریم های او نتوانست در روابط دو دولت تأثیر جدی بر جای نهد؛ زیرا در این دوره تجارت قشتاله با شرق و ممالیک، به دلیل عدم دسترسی آن به دریای مدیترانه، از طریق جنوا صورت می گرفت و بنادر ایتالیا نیز به دلیل مصالح تجاری اشان به سخنان پاپ توجه چندانی نکردند. از این رو هنوز دو سال از فرمان تحریم پاپ نگذشته بود که آلفونسو با ارسال سفیری دینار نام با هدایایی نفیس در ۶۷۳ هـ بار دیگر در جهت بهبود روابط همه جانبه با بیبرس کوشید^۲. ظاهراً هدف وی از این اقدام، تلاش برای اصلاح اوضاع نابسامان اقتصادی بود. چه قشتاله در این زمان به رغم وحدت سیاسی، از بحران های اقتصادی رنج می برد؛ تفاوت قیمت کالاها در هر نقطه از این سرزمین به دلیل دوری یا نزدیکی از مکان تولید، بالا بودن هزینه های حمل و نقل، اختلاف طبقاتی و سطح معیشت مردم با یکدیگر در کنار خوشگذرانی و زیاده روی های بیش از اندازه آلفونسو، شورش اشراف و آشفتگی اوضاع اقتصادی را به دنبال داشت^۳. از این رو آلفونسو برای رهایی از تنگناها و نیز کسب جایگاهی در خور در تجارت شرق، تجارت خارجی را تشویق و هیأت های متعددی به دربار بیبرس اعزام کرد. بیبرس در اواخر شوال ۶۷۴ هـ در پاسخ به هیأت اخیر سه سفیر به قشتاله فرستاد. آنان مدتی در برشلونه گرفتار آمدند، اما سرانجام از طریق بلنسیه به دربار آلفونسو رسیدند. پادشاه به

۱. یونینی، ۴۵۵/۲-۴۵۶؛ عینی، ۶۰/۲-۶۱.

۲. نویری، ۲۲۲/۳۰.

۳. ابن خطیب، ۵۷۲؛ ابن ابی زرع، ۴۴۱-۴۴۲.

گرمی آنان را به حضور پذیرفت و پس از انجام رسالت، آنان در صفر ۶۷۵ هـ به اسکندریه بازگشتند.^۱

آخرین سفارت قشتاله اندکی قبل از مرگ بیبرس در ۱۶ صفر ۶۷۶ هـ به مصر اعزام شد^۲ و هنگامی به مقصد رسید که فرزند سلطان، ملک سعید برکه‌خان (حک: ۶۷۶-۶۷۸ هـ)، بر تخت سلطنت تکیه زده و اوضاع به دلیل کشمکش‌های امرای ممالیک آشفته بود.^۳ به درستی معلوم نیست که از این سفارت به گرمی استقبال شد یا این که آنان با مشاهده تغییر اوضاع بدون دیدار با سلطان وقت به قشتاله بازگشتند.

بدین ترتیب روابط مصر و قشتاله که از قرن هفتم هجری آغاز شده بود، در دوره آلفونسوی دهم و بیبرس به اوج خود رسید. با دقت در پیام‌های سفرای طرفین، می‌توان به درستی دریافت که حکومت قشتاله و ممالیک برای احیای روابط سیاسی تلاش چندانی نمی‌کردند و هدف اولیه آنان اغلب گسترش روابط تجاری بود. آگاهی قشتاله از تسلط مصر بر تنها راه تجاری شرق به غرب و نیاز آن به ادویه و سایر محصولات شرق دور و نیز تلاش برای رهایی از بحران‌های اقتصادی از سویی و نیاز متقابل دولت ممالیک به برخی کالاهای تجاری قشتاله نظیر چوب، اسلحه و مواد غذایی از سوی دیگر از مهمترین عوامل مؤثر در تحکیم روابط تجاری این دو قدرت بود؛ زیرا سرزمین قشتاله به ویژه کوه‌های طلیطله مرکز تولید انواع چوب به خصوص چوب صنوبر بود^۴ و بیبرس از آن در ساخت انواع کشتی‌های تجاری و جنگی استفاده می‌کرد.^۵ آهن، مس، قلع، طلا و نقره که به وفور در این سرزمین یافت

۱. ابن فرات، ۴۴/۷؛ نویری، ۲۲۲/۳۰-۲۲۳.

۲. یونینی، ۲۳۳/۳؛ عینی، ۱۹۱/۲.

۳. مقریزی، همان، ۶۴۲/۱-۶۵۷.

۴. «هذا الخشب الصنوبر الذي بجمال هذه المدينة أحمر صافي البشرة رسم لا يتغير سريعاً ولا يفعل فيه السوس ما يفعل في غيره و هو خشب معروف منسوب» (ادریسی، ۱۹۰؛ مقریزی، خطط، ۳۱۵/۳-۳۱۶).

۵. «شوانی»، «حراریق» و «طرائد» پرکاربردترین کشتی‌های اسلامی در دوره بیبرس بود (مقریزی، همان، ۳۰۰/۳، ۳۱۵).

می‌شد، نیز از دیگر کالاهای ضروری بود که صادرات آن به مصر از اهمیت فراوانی برخوردار بود؛ به خصوص سه ماده معدنی نخست که در تولید انواع اسلحه کاربرد داشت. روغن زیتون اشبیلیه نیز به دلیل استفاده بسیار مصریان در زمهره محصولات تجاری قشتاله به مصر بود^۱.

نتیجه

نیمه دوم قرن هفتم هجری دوره اقتدار سیاسی - اقتصادی قشتاله و آراگون بود و آلفونسوی دهم و خایم اول با بیبرس روابط تجاری گسترده‌ای برقرار کردند. این روابط معلول عوامل زیر بود:

۱. در سده هفتم هجری با استیلای مغولان بر شرق دور و آسیای میانه و درگیری‌های قبایل آنان با یکدیگر، راه‌های تجاری خشکی شرق دور به آسیای میانه - دریای سیاه از رونق افتاد و راه تجاری دریای سرخ که شرق را به غرب متصل می‌کرد، شکوفا و مصر به دلیل تسلط بر این راه از اهمیت اقتصادی فراوانی برخوردار گردید. شکوفایی این راه و اقدامات گسترده بیبرس در جهت تأمین امنیت آن و حفاظت از حقوق تجار موجب شد که حکومت‌های قشتاله و آراگون به روابط تجاری گسترده‌ای با مصر دست زنند.

۲. در این سده خایم اول پادشاه آراگون به دلیل سیاست‌های توسعه طلبانه اش، با تسلط بر جزایر غرب دریای مدیترانه، مقتدرترین نیروی دریایی را تشکیل داد و بسیار قدرتمند گردید. تجارت خارجی آراگون بر طلا و بردگان شمال آفریقا و نیز ادویه شرق دور متکی بود و در مقابل حکومت ممالیک نیز به برده، آهن، قلع، و مس نیازمند بود. از این رو، نیازهای طرفینی باعث نزدیکی دو قدرت و برقراری

۱. حمیری، ۱۹، ۱۳۱، ۱۳۳؛ ادریسی، ۱۸۸.

روابط تجاری استوار گردید؛ چندان که تحریم و تهدید پاپ و کشورهای اروپایی نیز در آن تأثیری ننهاده.

۳. در دوره آلفونسوی دهم قشتاله مملکتی وسیع، نیرومند و برخوردار از ثبات سیاسی بود، اما فزونخواهی و تلاش وی برای دستیابی به لقب امپراتوری روم با امکانات قشتاله تطابق نداشت و حکومت قشتاله را با بحران‌های سیاسی و اقتصادی متعددی مواجه ساخت. از این رو وی با هدف ساماندهی به اوضاع آشفته اقتصادی و تامین ادویه مورد نیاز خود از شرق و بیبرس نیز به دلیل احتیاج به کالاهایی ضروری نظیر چوب برای ساخت انواع کشتی‌ها و قلع و مس و آهن برای ساخت اسلحه و برخی مواد غذایی کمیاب از سوی دیگر با یکدیگر روابط تجاری گسترده-ای برقرار کردند.

کتابشناسی

- ابن ابی زرع، علی، *الأنیس المطرب بروض القرطاس*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، المطبعة الملكية، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م.
- ابن ابی الفضائل، مفضل، *النهج السدید و الدرالفیرید فیما بعد تاریخ ابن عمید*، به تصحیح بلوشیه، پاریس، بی نا، ۱۹۱۱-۱۹۱۳م.
- ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م.
- ابن بطوطه، شمس الدین ابو عبدالله، *تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار*، به کوشش عبدالمنعم عریان، بیروت، دار احیاء العلوم، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.
- ابن تغری بردی، جمال الدین ابوالمحاسن یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، القاهرة، الثقافة و الارشاد القومي، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م.
- ابن خطیب، لسان الدین، *الإحاطة فی اخبار غرناطة*، به کوشش محمد عبدالله عنان، القاهرة، ۱۳۷۵ق.

- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی أيام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت- لبنان، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م.
- ابن شداد، عزالدین محمد بن علی، تاریخ الملک الظاهر، به کوشش احمد حطیط، ویسبادن، ۱۹۸۳م.
- ابن عبدالظاهر، محی الدین، الروض الزاهر فی سیرة الملک الظاهر، تحقیق عبدالعزیز الخویطر، ریاض، ۱۹۷۶م.
- ابن عذاری، ابو عبدالله محمد، البیان المغرب فی اخبار الأندلس و المغرب، قسم الموحدین، به کوشش محمد ابراهیم کتانی، و دیگران، بیروت- لبنان، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م.
- ابن فرات، ناصرالدین محمد، تاریخ ابن الفرات، به کوشش قسطنطین رزیک، بیروت، بی نا، ۱۹۴۲م.
- ابوالفداء، اسماعیل، تقویم البلدان، تصحیح رینود و بارون ماک کوکین دیسلان، پاریس، دارالطباعة السلطانیة، ۱۸۴۰م.
- ادریسی، محمد، صفة المغرب و أرض السودان و مصر و الأندلس، به کوشش دوزی، آمستردام، بی نا، ۱۹۶۹م.
- أشیخ، یوسف، تاریخ الأندلس فی عهد المرابطين و الموحدین، ترجمه محمد عبدالله عنان، لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۳۵۹ق/۱۹۴۰م.
- حمیری، ابو عبدالله محمد، صفة جزيرة الأندلس، به کوشش لویی پروونسال، بیروت، دارالجیل، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
- رانسیمان، استیون، تاریخ جنگ های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸ش.
- رشیدالدین فضل الله، ابوالخیر موفق الدوله علی، جامع التواریخ (از آغاز سلطنت هلاکو تا پایان دوره غازان خان)، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، ۱۳۶۲ش.

- روسو، پی‌یر، تاریخ علوم، ترجمه حسن صفاری، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۴ ش.
- سالم، عبدالعزیز، تاریخ الإسكندرية و حضارتها فی العصر الاسلامی، دارالمعارف، ۱۹۶۹ م.
- سرور، محمد جمال الدین، دولة بنی قلاوون فی مصر، قاهرة، دارالفکر، ۱۹۴۷ م.
- همو، دولة الظاهر بیبرس فی مصر، قاهرة، دارالفکر العربی، بی‌تا.
- عاشور، سعید عبدالفتاح، الحركة الصلیبیه، مکتبه الأنجلو، ۱۹۷۶ م.
- عبادی، احمد مختار، قیام دولة الممالیک الاولی فی مصر و الشام، بیروت، دارالنهضة العربیة، ۴۰۶ ق/ ۱۹۸۶ م.
- عمری، ابن فضل الله شهاب‌الدین احمد، التعریف بالمصطلح الشریف، به کوشش محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م.
- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، کیهان، ۱۳۷۱ ش.
- عینی، بدرالدین محمود، عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان، به کوشش محمد محمد امین، قاهرة، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۷ م.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، به کوشش وستنفلد، ویسبادن، ۱۹۶۷ م.
- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی، صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، قاهرة، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی‌تا.
- کاسترو، امیریکو، حضارة الاسلام فی أسبانيا، ترجمه سلیمان العطّار، قاهرة، ۱۹۸۳ م.
- کراچکوفسکی، ایگناتی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
- ماجد، عبدالمنعم، العلاقات بین الشرق و الغرب، بیروت، مکتبه الجامعة العربیة، ۱۹۶۶ م.

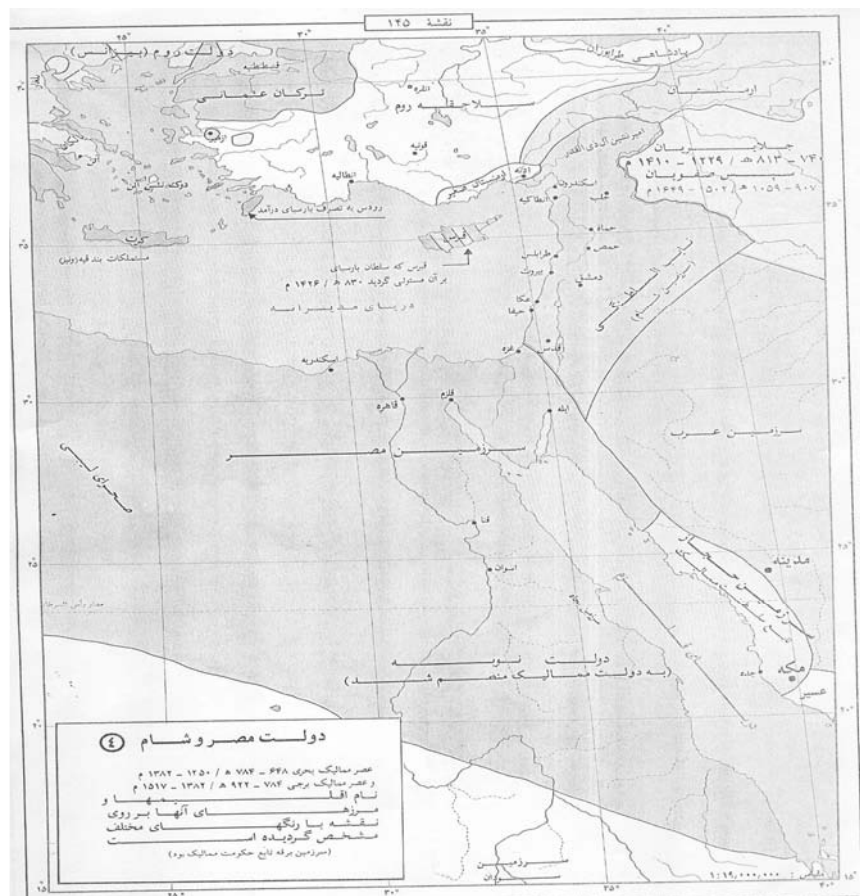
- مقريزي، تقى الدين، الخطط المقرريّة المسماة بالمواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، مصر، مطبعة النيل، ۱۳۲۵ق.
- همو، السلوك لمعرفة دول الملوك، به كوشش محمد مصطفى زيادة، قاهرة، ۱۳۵۳ق/۱۹۳۴م.
- ميجيل، خوسية، العلاقات الثقافية بين أسبانيا و العالم العربي، قاهرة، المركز الثقافي الأسباني بالقاهرة، ۱۹۶۰م.
- نويرى، شهاب الدين احمد، نهاية الارب فى فنون الأدب، به كوشش محمد عبدالهادى شعيره، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
- هايدو، تاريخ التجارة فى الشرق الأدنى فى العصور الوسطى، ترجمه عزالدين فودة، قاهرة، الهيئة المصرية للكتاب، ۱۹۸۵م.
- ويت، گاستون، قاهره شهر هنر و تجارت، ترجمه محمود محمودى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ۱۳۵۱ش.
- ياقوت حموى، شهاب الدين ابو عبدالله، معجم البلدان، به كوشش محمد عبدالرحمان مرعشلى، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
- يوسف، عبدالقادر احمد، العصور الوسطى الاروبيه، بيروت، المكتبة العصرية، ۱۹۶۷م.
- همو، علاقات بين الشرق و الغرب بين القرنين الحادى عشر و الخامس عشر، بيروت، ۱۹۶۹م.
- يونينى، قطب الدين موسى، ذيل مرآة الزمان، حيدر آباد دكن، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۵م.
- Heyd, w, *Histoire du commerce du Levant au moyen age*, Leipzig, 1889.
- Jackson .G , *The Making of Medieval Spain*, California, 1970.
- Hillgarth . J .N, *the Spanish Kingdoms* , 1250-1516, v. I, Oxford , 1976.
- King .M, *The Knight Hospitallers in the Holy land*, London, 1931.

Payne, S. G, *A history of Spain and Portugal*, v.6, 7, Wisconsin Press, 1943.

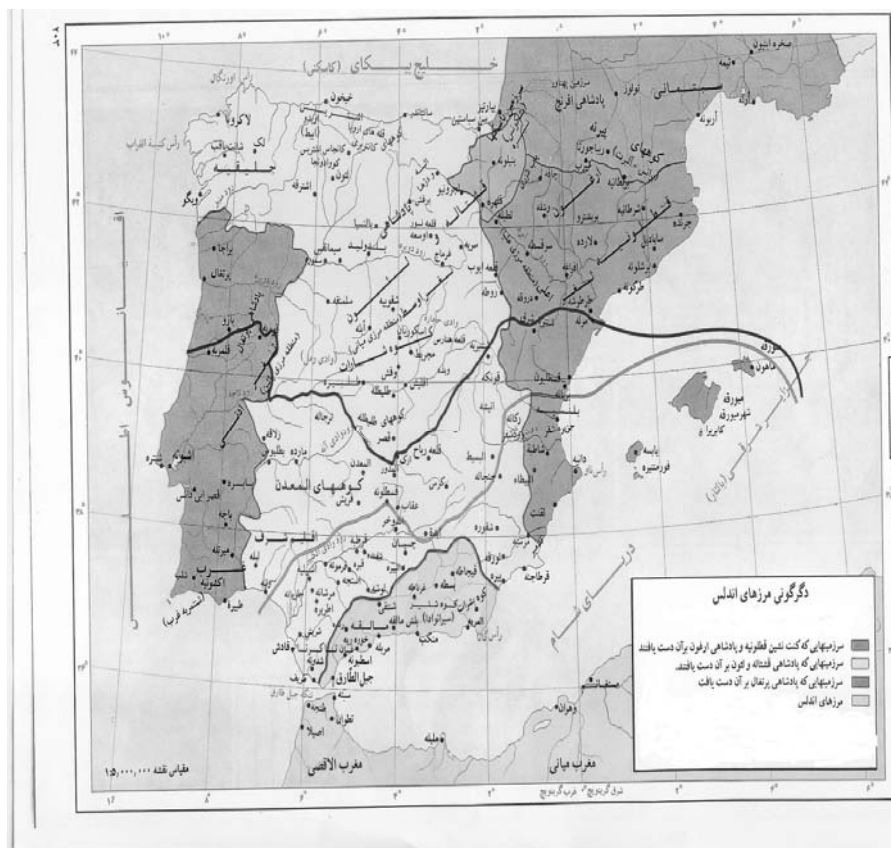
Pirenne . H, *A history of Europe* ,v , 2, London, 1951.

Watt, W .M, *A history of Islamic Spain*, Edinburgh at the university press, 1965.

Archive of SID



Arc



ARC